

روایتی از افول کیفیت مدال های ایران در المپیادهای جهانی

طلاهای المپیاد ایران گجا جاهاند؟

ابوالقاسم ر حماني
دبير گروه جامعه

تقریباً همه ما از مساله المپیادهای دانش آموزان چیزهایی شنیده ایم. شاید آخرین مرور و یادآوری هم بعد از فوت مریم میرزاخانی نابغه ریاضی جهان بود که او هم سال ها پیش از برگزیدگان ونفر اول المپیاد ریاضی جهان بود. کمی هم

اگر اخبار گذشته را مرور کنیم نام ایران را بین کشورهای صاحب نام و قدرتمند علمی در المپیادها خواهیم دید. با این وجود به رغم حضور پررنگ و همیشگی دانش آموزان ایرانی در المپیادها چند سالی است که آن فروغ همیشگی

نمایان نیست و جایگاه رفیع علمی دانش آموزان کشور دچار رکود و افت محسوسی شده است. مساله ای که از دانش آموزان تار هیر انقلاب دغدغه مند و نگران آن هستندو به طرق مختلف نسبت به آن واکنش نشان داده می دهند.

در کاهش سطح کیفیت آموزش عمومی در کشور دانست. کاهش کیفیتی که ناشی از سیاستگذاری های نابخردانه و عجیب سال های اخیر نظام آموزشی کشور و در راس آن وزارت آموزش و پرورش و دولت است.

وضعیت ایران در المپیادها

بر اساس آخرین اطلاعات پس از انقلاب (پیش از انقلاب ایران در این رقابت ها حضور نداشته است.) دانش آموزان ایرانی با شرکت در برخی شاخه های این مسابقات توانسته اند ۷۴۰ مدال طلا، نقره و برنز تا سال گذشته به دست آورند. در تشریح دستاوردهای آخرین نوبت های برگزاری این رقابت تیم دانش آموزی المپیاد شیمی ایران در سال ۱۳۹۸، با کسب چهار مدال ارزنده، جایگاه ششم جهانی را کسب کردند و در المپیاد جهانی ریاضی در همین سال نیز موفق به کسب ۶ مدال ارزشمند شده اند. کسب چهار مدال در المپیاد جهانی زیست شناسی و شهر یورماه امسال نیز دستاورد دیگری از دانش آموزان ایرانی در این مسابقات بود. دانش آموزان ایرانی در آخرین حضور خود در المپیاد جهانی فیزیک در سال ۲۰۱۸ نیز توانستند ۳ مدال نقره و ۲ مدال برنز به دست آورند. منتها با یک آنالیز وضعیت نتایج به ما نشان می دهد که در چند سال اخیر دانش آموزان ایرانی در دستیابی به رتبه های برتر جهانی دچار افت محسوسی شده اند. برای مثال تیم ریاضی ایران که سال ۲۰۱۷ مقام پنجمی جهان را کسب کرده بود در سال ۲۰۱۸ با ۱۴ پله سقوط در جایگاه نوزدهمی جهان ایستاد. همین طور تیم های شیمی، فیزیک و کامپیوتر ما در این سال به ترتیب افت ۱۶، ۱۳ و ۵ پله ای را به نسبت سال ۲۰۱۷ تجربه کرده اند. این نتایج نشان می دهد به رغم وجود ظرفیت های عالی در کشور جهت حضور در این رقابت ها، مجموعه ای از عوامل که در ادامه به آنها اشاره می کنیم باعث شده است تا خروجی منطقی با انتظارات و توانمندی ها نباشد.

مشکلات مالی و ساختاری گریبانگیر فعالیت های سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان

جدی بودجه ای شدند، کادر انسانی آنها نصف شد، مدیریت های میانی هم ضعیف تر شد. علاوه بر اینها امسال با این موضوع مواجه شدیم که از سال ۹۳ تاکنون حدود ۵ میلیارد تومان از دستمزد اساتید و کادر اجرایی المپیاد پرداخت نشده و این به شدت نگرانی ایجاد کرد و برخی از دوستان قطع رابطه کردند و برخی نیز انرژی اولیه را نداشتند. مکان فیزیکی هم مکان نامناسبی بود و اثرات روانشناختی منفی در دوره ۶ ماهه که دانش آموزان از والدین خود دور می شوند، داشت. ساختار باشگاه هم به شدت تخریب

الهام یآوری، رئیس سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان در تحلیل چرایی کسب نتایج نسبتاً ضعیف در المپیادهای بین المللی و نقش سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان در این موضوع به «فرهیختگان» گفت: «سازمان پرورش استعداد های درخشان و باشگاه دانش پژوهان که دو سازمان قوی برای بحث پرورش نخبگان بودند در هم ادغام شدند و تنزل رتبه به مرکز پیدا کردند. مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان، مأمنی برای نخبه پروری در آموزش و پرورش هستند. هر دو سازمان دچار مشکلات

مهاجرت المپیادی ها مثل دانشگاهی هاست، البته کمی آسان تر

یآوری در پاسخ به این سوال که گفته می شود تعداد قابل توجهی از المپیادی ها بعد از کسب مدال از ایران مهاجرت می کنند و آیا این واقعیت دارد، گفت: «آموزش و پرورش و نهادهای ذی ربط آمار رسمی ندارند اما آمار غیر رسمی می گوید تعداد افراد مهاجرت پذیر بین کسانی که المپیادی بودند از کسانی که مثل آنها بودند و در دانشگاه های برتر درس خوانده اند تفاوت زیادی ندارد. مهاجرت نخبگان یک مساله نسبتاً عمومی در فارغ التحصیلان دانشگاهی است و المپیادی و غیر المپیادی ندارد البته برای المپیادی ها سفر کردن به دلیل شرایطی که دارند راحت تر است، اما تفاوت معناداری ندارند. دانش آموزان المپیادی و دانشمندی داریم که الان در کشور هستند و در حال حاضر خود باری از دوش کشور برمی دارند و به جامعه خود خدمت می کنند. درباره طرح شهاب هم باید بگویم اجرا می شود و در مرحله جمع آوری اطلاعات هستیم. به مرحله بهره برداری از این اطلاعات نرسیده است چون پوشش آن صد درصد نیست. این طرح گسترش می یابد و آمارها جمع آوری می شوند.»

نبود برنامه ریزی، مدیریت، اهمیت بالاتر کنکور و... باعث افت ایران در المپیادهای بین المللی

ابراهیم سحرخیز از معاونان پیشین وزارت آموزش و پرورش در تبیین وضعیت فعلی ایران در المپیادهای بین المللی به «فرهیختگان» گفت: «در آموزش و پرورش اگر هدف این است دانش آموزان را به سمت المپیادهای بین المللی هدایت کنیم ساختاری دیده نشده است. در گذشته مرکزی داشتیم که ویژه المپیادهای ریاضی و مسابقات بین المللی بود و الان این مرکز با سازمان استعداد های درخشان یکی شده است. اگر سازمان استعداد های درخشان یک سازمان ملی شناخته می شود و بخشی تحت عنوان المپیادهای بین المللی مستقل شود، المپیادهای ملی باید در ساختار آن سازمان دیده شود که فارغ از ساختار آموزش و پرورش محدودیت های خاصی این نهاد را نداشته باشند و در این حوزه وارد شوند و در مدارس آموزش و پرورش به طور کلی جست و جو کنند. در آموزش و پرورش طرحی را آن زمانی که بوم، تحت عنوان طرح شهاب دنبال می کردیم. این طرح شهاب به نتیجه نرسید و ابتر ماند. طرح شهاب مخفف شناسایی و هدایت استعداد های برتر بود. وقتی از شهاب صحبت می کنیم باید در کنار آن به عدالت آموزشی هم اشاره داشت. در سمپاد فقط می توانیم در ریاضی و رشته تجربی کار کنیم. سمپاد فقط در این دو رشته وارد شده در حالی که آنچه به ذهن من می رسید حضرت آقا تاکید داشتند در سایر رشته ها هم باید توجه شود و طرح شهاب با این نگاه به وجود آمده است. طرح شهاب را ابتر گذاشتیم و به نتیجه نرساندیم. مسئولان در آموزش و پرورش باید عنوان کنند با چه مکانیسمی می خواهند استعداد های برتر را شناسایی و هدایت کرده و پرورش دهند و به سمت مسابقات داخلی و بین المللی سوق دهند. این نکته ای است که خلأ آن اکنون وجود دارد. ما ۱۶ میلیون دانش آموز داریم که بخش کمی در سمپاد هستند. حتی مدارس نمونه دولتی هم تعطیل کردند. وقتی در ۱۶ میلیون دانش آموز که قطعا استعداد های خوبی وجود دارد، استعداد ها را شناسایی نمی کنیم و به آن نمی پردازیم نتیجه اینطور می شود. ضمناً در گذشته یک سری جشنواره وجود داشت به نام جشنواره خوارزمی که می توانست زمینه ای برای حضور دانش آموزان در مسابقات بین المللی باشد. جشنواره خوارزمی ممکن است الان هم برگزار شود ولی بی مایه، خمیر قنبر است. باید هزینه کرد. اگر بخواهید در المپیادها مدال بیاورید، مثل مسابقات ورزشی باید هزینه کرد. باید افراد را در کف میدان شناسایی کنید و به مربیان زبده و خیره بسپارید و برای این نیرو ها هزینه کنید. برخی مردم در این شرایط اقتصادی بچه های خود را به زور به مدرسه می فرستند. باید اینها را به سمت کلاس هایی هدایت کنند که در یک زمینه خاص فعالند، مثلاً در شیمی هزینه های زیادی نیاز است. این دانش آموز باید در کنار درسی که می خواند کلاس های جبرانی و کتاب های مکملی را مطالعه کند. آزمون هایی که در دنیا برگزار می شود همانند آزمون های سنگاپور و... داخل کشور بپیاید و توسط برخی مدرسان برای این دانش آموزان تدریس شود. این روند پول نیاز دارد. اگر لازم باشد صرفاً به دانش آموز کمک کنید و به چهار خانواده ای که متمول هستند و برای فرزندان خود هزینه می کنند، همه مدارس ما نمی توانند پیش ببرند، آن هم در شرایطی که اولویت خانواده ها کنکور است. خانواده ها می گویند الان کنکور فرزند مهم تر است و تلاش می کنم در اینجا رشته خوبی قبول شود. نگران هستند تلافی کنکور با المپیاد در در سراز شود. ممکن است دانش آموز در المپیاد مدال بیاورد ولی این تک بعدی است و از کنکور باز می ماند، در نتیجه اجازه نمی دهند در المپیاد شرکت کنند. چه کسی باید این هدایت را انجام دهد؟ مشاوران و مربیان خوب که جایشان در آموزش و پرورش خالی است. به طرح شهاب برمی گردد که اگر این طرح وظیفه خود را به خوبی انجام دهد باید دانش آموزان را از ابتدایی مهیا کند. این دانش آموزان باید شناسایی شوند، هدایت شوند. لازمه این است که به والدین بگویند این فرزند شما شاید نفر اول کنکور نشود ولی زیست او عالی است و می تواند برای ما در زیست شناسی در دنیا نفر برتر شود. من بزرگ ترین عامل را در این می دانم که ما در مکانیسم های هدایت تحصیلی و شناسایی استعداد ها و هدایت آنها با ضعف بزرگی در آموزش و پرورش مواجه هستیم. جای مشاوران و مربیان در دوره های مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش خالی است. دوره ابتدایی اصلاً مشاوره ندارد. این باید اتفاق بیفتد که هم مشاور تحصیلی و هم مشاور تربیتی حضور داشته باشند. اگر این هدایت خوب اتفاق بیفتد به خصوص در دوره پایه، می توانیم دانش آموزان را با توجه به استعداد های آنها هدایت کنیم.»

اصلی ترین دلیل سیاست گذاری های غلط در آموزش و پرورش است

جایگاه قبل را در بحث المپیاد در فضای بین الملل نداشته باشیم که قابل قبول نیست و حتماً کمیسیون آموزش و تحقیقات ورود جدی می کند. مجلس تازه شکل گرفته و ۶ ماه نشده که سرکار آمده است. موضوعات زیادی داشتیم و داریم که در کمیسیون آموزش و تحقیقات بررسی می کنیم و قطعاً به بحث المپیادی ها ورود خواهیم کرد کمایکنه مشکل بحث سمپاد هم برطرف شده و مجلس بدان ورود پیدا کرد. ان شاء الله سعی می کنیم بحث المپیادی ها و جایگاه آنها را به قبل برگردانیم و روز به روز فضای دانش آموزان ایرانی را بهتر کنیم. با این حال به این مساله باید چند عاملی نگاه کرد: قطعاً علت های ساختاری و عاملیتی وجود دارد ولی مهم ترین آنها فکر می کنم سیاست گذاری های غلط و بی ثباتی هایی است که در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد، این را رقم زده و مدیرانی که در راس کار برای المپیاد آمدند صلاحیت لازم را نداشتند و این سیاست گذاری ها کار را به اینجا رسانده است.»

دولت فقط به خصوصی سازی آموزش فکر می کند نه کیفیت آن پس نتیجه جز این نمی شود

این کارشناس آموزشی ادامه داد: «بحث دیگر این است که با افت پنهان و کلی در آموزش و پرورش مواجه هستیم. شاهد این ادعا این است که در آزمون ۲۰۱۶ یا ۲۰۱۵ پزلز که برگزار شد، اولاً بین ۴۵ کشور دنیا رتبه ۴۲ را داشتیم. همین آزمون ما را با کشور هایی همچون سنگاپور و... مقایسه می کند و به نتیجه می رسیم که ۵۵ درصد از دانش آموزان دوره ابتدایی (پایه چهارم) سواد خواندن و نوشتن ندارند. علت این امر چیست؟ علت این است که در دوره ابتدایی ارزشیابی توصیفی گذاشتیم. من با این مخالف نیستم اما معتمد ارزشیابی توصیفی فقط در سه ساله اول ابتدایی باید اجرا شود و در سه ساله ابتدایی با این روندی که در ایران انجام می شود منجر به پایین آمدن کیفیت آموزشی در کشور می شود. دانش آموزانی را بی سواد به پایه های بالاتر می فرستیم. این هم یکی از علت هاست و می تواند در درازمدت اثر سوئی روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بگذارد و در واقع افت پیدا و پنهانی را به بدنه نظام آموزشی ما تحمیل کند. باید از اهرم های انگیزشی استفاده کنیم که در ایران وجود ندارد. جشنواره خوارزمی برگزار می کردیم و قرار بود وزارت علوم نفرا ت اول این جشنواره ها را بدون کنکور در دانشگاه ها پذیرش کند اما زیر تعهدات خود زدن. با فرض بر اینکه مشاور داریم، مدرسه کار خود را انجام می دهد باید از این اهرم های ترغیبی- تشویقی که ایجاد انگیزه می کند، استفاده کرد. پس معجونی نیاز داریم، باید اصلاح ساختاری صورت گیرد. مضاف بر اینها یک چیزی در سند تحول داریم که قرار بود مدارس را درجه بندی و رقابتی کنیم. مدرسه ها باید رقابتی شوند. این رقابت الان فقط بین مدارس خاص دولتی است و این هم بین مدارس تیزهوشان است و بقیه کنار گذاشته می شوند. بطحایی نمونه دولتی را تعطیل کرد به بهانه اینکه با آزمون مخالف هستیم و آب را در آسیاب مدارس غیردولتی ریخت، یعنی اگر چهار پچه هم در آنجا شرایط داشتند محروم شدند. پس رقابتی وجود ندارد. الان رقابت بین تیزهوشان و غیردولتی هاست. نزدیک به ۱۱۰ هزار مدرسه در کشور داریم. از این تعداد فکر نکنم ۱۰ هزار مدرسه هم تیزهوشان باشد. یعنی ۱۰۰ هزار مدرسه را رها کردیم و رقابت بین آنها وجود ندارد. برخی مدارس غیردولتی در شهر نفرا ت برتر نداریم و نفرا ت برتر برای سمپاد و مدارس غیردولتی است و این نابرابری است. این نابرابری ۳۰ سال است که ادامه دارد. با خدایی صحبت کنید نفرا ت برتر کنکور در زیر گروه های هنر، تجربی، ریاضی، انسانی با چشم بسته می گویم ۷۰-۶۰ درصد طی ۳۰ سال گذشته برای سمپاد است. برخی مانور می دهند که تیزهوشان را تعطیل کنند و بچه پولدار ها یک دست به غیردولتی برون. از دولت بخواهید مدارس عادی را حمایت کند. امکانات و سرانه و مشاوره و معلمان متخصص بدهد. یک نکته بحث معلم است. منصوبه مجلس در این مورد را اخیراً ببینید که گفته آزمون داخلی هم برگزار نکنید. تمام آموزشیاران نهضت، مربیان پیش دبستانی معلم شوند. حضرت آقا از معلمان با کیفیت صحبت کردند. معلم با کیفیت می تواند دانش آموز را هدایت کند. آموزش و پرورش ۱۹ هزار معلم کم دارد و اولویت اول آن کلاس خالی را پر کنند. آموزش و پرورش باید بداند همان طور که معلم نیاز است مشاور هم نیاز است منتها چون الان فشار افکار عمومی این است که کلاس ها خالی نماند این را اولویت اول خود قرار می دهد. متأسفانه فکر می کنیم اینها حاشیه هستند، در حالی که از متن هم مهربتر هستند. سند ما می گوید باید تمام دوره های تحصیلی از اول ابتدایی تا پایه دوازدهم مشاوره داشته باشد. در کدام مدرسه مشاوره وجود دارد؟ فقط در کلاس سوم راهنمایی است که برگ هدایت تحصیلی را پر کنند. خالی است و این یک سال استفاده می شود. هنرستان بدون استادکار اداره نمی شود و استادکار نداریم و به ۲۰ هزار استادکار نیاز داریم. زمانی آموزش و پرورش اعلام کرده بود باید ۳۵ هزار مشاور استخدام کنیم. اینها پول نیاز دارد و استخدام آنها هزینه برای دولت دارد. دولت نمی خواهد برای آموزش و پرورش سرمایه گذاری کند و دنبال این است که خصوصی و اگذار شود و در این تردید مانده و نتیجه همین است که شاهد هستیم.»